



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.83447.1225>



پژوهشی

چالش‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی قرنطینه مرزها در دوران بیماری‌های همه‌گیر

افشین کرمی (استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

a.karami@scu.ac.ir

چکیده

تلاش برای مهار همه‌گیری‌ها و یافتن راه‌حل بلندمدت از طریق واکسن‌ها با طیفی از مسائل سیاسی مربوط به نظام‌های بهداشتی، سیاسی، حقوق بشر، حاکمیت، تحرک و مرزها تلاقی پیدا کرده است. ظهور همه‌گیری‌ها فرصتی برای جغرافیای سیاسی مهیا کرده تا زیربنای ژئوپلیتیکی نظام‌های سلامت و بهداشت را با نگاهی جدی‌تر دنبال کند. مدیریت همه‌گیری بنا به دو دلیل امری فضایی است: نخست درمان بیماری همیشه امری اجتماعی - فضایی است زیرا مقامات یا به دنبال تحمیل اقدامات قرنطینه و یا محدود ساختن ناقلان بیماری هستند. دوم، بیماری توسط مجموعه‌ای از کنش‌گران و نیروهای انسانی و غیرانسانی که با فضا و مکان سر و کار دارند آشکار می‌شود. بنابراین، بیماری‌ها به بخشی از مباحث ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند زیرا مطلوبیت و دوام سازه‌های حکمروایی ملی، منطقه‌ای و جهانی را آشکار می‌سازند. مفهوم قرنطینه به عنوان نوعی فعالیت که منتهی به تقسیم و تحدید فضای جغرافیایی می‌شود می‌تواند یکی از موضوعات بسیار بحث‌برانگیز در ژئوپلیتیک باشد. این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی قرنطینه مرزها در دوران بیماری‌های همه‌گیر و با روش توصیفی - تحلیلی به نگرش درآمده است. این مطالعه به‌طور خاص بر همه‌گیری ویروس کرونا و پیامدهای ژئوپلیتیکی و مرزی قرنطینه طی این همه‌گیری تمرکز دارد. نتایج نشان می‌دهد که چالش‌های همه‌گیری کرونا را در یک سطح کلان می‌توان به سه دسته چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. چالش در هر کدام از این سه حوزه پیامدهای فراوانی برای دولت و جامعه به همراه داشته است و می‌توان گفت چالش‌های سیاسی همه‌گیری کرونا بسیار برجسته هستند. در گروه چالش‌های سیاسی همه‌گیری کرونا نشان داد که نئولیبرالیسم تاب‌آوری لازم در برابر شوک‌های جهانی ناشی از مسائل غیراقتصادی و غیرمالی را ندارد. سیاست‌هایی که در دوران همه‌گیری ویروس کرونا از سوی دولت‌ها پیاده شده با شعارهای برجسته نئولیبرالیسم مبنی بر اولویت بازار، رقابت، دخالت حداقلی دولت و کارآمدی بخش خصوصی در تضاد بود. محیط آنارشیک مدنظر واقع‌گرایان که طی این بحران به خوبی پدیدار شد پیامدهایی مثل جستجو برای تضمین بقا، تشدید رقابت میان دولت‌ها، تضعیف نهادهای بین-المللی، کمبود منابع، تقویت زیرساخت‌های مرزی، رواج گفتمان مهاجرت‌ستیزی و رواج قرنطینه را به همراه داشت.

در نتیجه در طول این همه‌گیری مهمترین بنیان‌های لیبرالیسم با چالش‌هایی مثل تحکیم جایگاه دولت، اقتدارگرایی دولت‌ها، افزایش مداخله، تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای و جهانی و رقابت و تعارض میان قدرت‌های بزرگ روبرو شد.

واژگان کلیدی: مرز، قرنطینه، ژئوپلیتیک، همه‌گیری، حکومت

بیان مسأله

بخش اعظم مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی از تأثیر قرنطینه، بیماری‌های همه‌گیر و گونه‌های غیرانسان بر مرزها غافل شده است. از قرن‌ها پیش، مرزها به شدت تحت تأثیر تلاش برای ممنوعیت یا کنترل حرکت حیوانات، بیماری‌ها و گیاهان در امتداد محدوده‌های سرزمینی کشور قرار داشته‌اند. مرزهای معاصر در واکنش به رویه‌ها و ایده‌های جدید امنیت زیستی از نو در حال ساختاربندی شدن هستند. کنترل موجودات ارگانیک در مرزها اوایل به این دلیل آغاز شد که عوامل بیماری همراه با افراد و حیوانات حرکت می‌کنند و به طور مستقل تکثیر می‌شوند. در تمام طول تاریخ، حرکت آنها باعث به خطر افتادن کشاورزی، محیط زیست و بهداشت عمومی شده است. عبور موجودات غیرانسان از مرز فراگیر بوده اما مورد غفلت واقع شده است. تنها ۱۰ درصد از سلول‌های ما حاوی ژنوم انسانی هستند، ۹۰ درصد دیگر شامل «ژنوم‌های باکتری، قارچ، پروتئین‌ها و موارد دیگر» می‌باشند. هر انسانی که از مرز عبور می‌کند هزاران «همراه کوچک» را با خود به ارمغان می‌آورد که زندگی ما به آنها بستگی دارد (Haraway, 2008:4).

این نحو همراهی باعث ایجاد چالش متمایزی شده و مفاهیمی مثل امنیت زیستی خلق گردیده است. با این حال پیش از آنکه این اصطلاح به وجود بیاید، نگرانی‌های مربوط به امنیت زیستی از قرن‌ها پیش در ارتباط با مدیریت مرزها وجود داشته است. بیماری‌های مشترک انسان و حیوان، همه‌گیری‌های بالقوه و گونه‌های مهاجم، موضوعاتی هستند که در جهان امروز می‌تواند یکپارچگی اقتصاد جهانی را تحت الشعاع قرار دهد. بنابراین مسأله امنیت زیستی، قرنطینه و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن به عامل اصلی تأثیرگذار بر عملکرد مرزهای ملی و فروملی تبدیل شده است. هزاران سال است که جهان انواع مختلفی از همه‌گیری‌ها را تجربه کرده است. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، همه‌گیری گسترش جهانی یک بیماری جدید و پدیده‌ای است که تأثیر زیادی بر همه جوامع به‌ویژه شهرهایی که تعداد زیادی از مردم در آنجا زندگی می‌کنند دارد. از جمله اپیدمی‌های مرگ‌بار وبا بود که در فاصله سال‌های ۱۸۱۷-۱۸۲۳ در سراسر جهان به‌صورتی کشنده پدیدار شد و نخست از منطقه دلتای گنگ هند و از برنج آلوده ظاهر شد اما سپس به سراسر جهان سفر کرد و میلیون‌ها نفر را به کام مرگ فرستاد. اخیراً اچ‌آی‌وی و ایدز که نخست در سال ۱۹۷۶ ظاهر شدند نیز در شمار بیماری‌های خطرناک قرار گرفته‌اند. مجموع مرگ و میر ناشی از این بیماری تاکنون در سراسر جهان به

۳۶ میلیون نفر رسیده است. می‌توان از سارس نیز نام برد که یک سندرم حاد تنفسی است و توسط یکی از ۷ ویروس کرونا ایجاد می‌شود که می‌تواند انسان را آلوده کند. شیوع آن از چین آغاز شد و در پایان فوریه ۲۰۰۳ شناسایی گردید اما به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت و بیش از ۸۰۰۰ نفر را مبتلا ساخت. یکی دیگر از بیماری‌های مرگ‌بار اخیر ویروس ابولا است که در سال ۱۹۷۶ شناسایی شد اما تا به امروز همچنان بخش‌هایی از آفریقا را تحت تأثیر قرار داده و باعث مرگ حدود ۱۱.۳۲۵ نفر شده است. جدیدترین بیماری همه‌گیر که پیامدهای زیادی برای کل جهان داشته نوعی ویروس کروناست که با عنوان کووید-۱۹ شناخته می‌شود. در ۱۱ مارس ۲۰۲۰، سازمان بهداشت جهانی همه‌گیری کروناویروس را اعلام کرد (Alam et al, 2023:2). اساساً همه‌گیری به عنوان یک مفهومی با سوابق چندمقیاسی و چندلایه و جغرافیای ملی، امپریالیستی و قدرت نژادی ارتباط دارد. به عبارت دیگر، همه‌گیری باعث تغذیه جلوه‌های رقابت قدرت‌های بزرگ می‌شود، تکنیک‌های کنترل و پایش امنیت مرزی، مثل استراتژی‌های قرنطینه، را تقویت می‌کند و موجب می‌شود جلوه‌های ژئوپلیتیک پوپولیستی و «ناسیونالیسم همه‌گیری»، که تأکیدش بر افراد و مکان‌هایی است که خطرناک، بیمار و ناخوشایند تلقی می‌شوند، قدرت بیشتری بگیرند. تحت چنین شرایطی، مرزها تبدیل به سلاح می‌شوند و پایش‌های مهاجرتی/قرنطینه‌ای همچنان به قوت خود باقی می‌مانند زیرا روشی است که طی آن می‌توان تشخیص داد آیا غریبه‌های خارجی از نظر سلامت اعضای جامعه قابل اعتماد هستند یا خیر (Cole & Dodds, 2021:172). جریان غالب مطالعات مرزی و ژئوپلیتیک تاکنون عمدتاً تحت تأثیر رویکرد انسان‌گرایانه بوده و به همین دلیل کمتر مجالی برای مشارکت سایر علوم زیستی در مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی فراهم شده است. مفهوم قرنطینه به عنوان نوعی فعالیت که منتهی به تقسیم و تحدید فضای جغرافیایی می‌شود می‌تواند یکی از موضوعات بسیار بحث‌برانگیز در ژئوپلیتیک باشد. اما تاکنون به دلیل همان غلبه دیدگاه انسان‌گرایانه در مطالعات مرزی نتوانسته توجه پژوهشگران حوزه ژئوپلیتیک را به خود جلب کند. لذا این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی قرنطینه مرزها در دوران بیماری‌های همه‌گیر و با روش توصیفی - تحلیلی به نگارش در می‌آید. این مطالعه به‌طور خاص بر همه‌گیری ویروس کرونا و پیامدهای ژئوپلیتیکی و مرزی قرنطینه طی این همه‌گیری تمرکز دارد. اما در عین حال از سایر همه‌گیری‌ها و تأثیرات احتمالی آن غافل نیست و به فراخور به آنها اشاره می‌کند.

پیشینه تحقیق

برای مطالعه پیشینه تحقیق از جستجوی تحقیقاتی که در عنوان یا موضوع خود عبارت مرز را داشتند برای شناسایی نقطه آغاز کار استفاده شد. این مطالعه در پیشینه انجام شد تا بینیم چه موضوعاتی پیش می‌آیند و آیا می‌شود مضامین اصلی که در مورد مرزها حائز اهمیت هستند اما در مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی نادیده

گرفته شده‌اند را شناسایی کنیم یا خیر. خارج از این حوزه، آثاری مطالعه شد که بینش‌های مفیدی در مورد مرزها ارائه می‌دهند و به سمت سایر زمینه‌های مطالعاتی مثل پزشکی، بوم‌شناسی گونه‌های مهاجم یا امنیت زیستی سوق پیدا می‌کنند. در ادامه برخی از مطالعات داخلی و خارجی که تا حدودی با موضوع مورد مطالعه ارتباط دارد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مطالعات داخلی

حافظ‌نیا (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان ضرورت اتخاذ راهبرد ژئوپلیتیکی برای حل بحران‌های پاندمیک به بررسی و تجزیه و تحلیل ابعاد ژئوپلیتیک این بحران می‌پردازد. وی به این نتیجه می‌رسد که تهدید میکروبی مختص یک یا چند کشور نیست از این رو هیچ جایگزینی برای کنترل آن به جز اتکا به همکاری‌های همه-جانبه و با مشارکت تمام کشورهای جهان وجود ندارد و این بحران می‌تواند یک الگوی راهبردی ژئوپلیتیکی بر مبنای همکاری همه‌جانبه و صلح بین‌المللی را برای بحران‌های نوپدید شکل دهد.

جان‌پرور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیرات ژئوپلیتیکی شیوع کرونا پرداخته‌اند. آنها در این پژوهش مجموعاً ۴۰ حالت عدم قطعیت را در نظر گرفته‌اند و در نهایت نتایج آنها نشان می‌دهد احتمال وقوع حالت‌های منفی ساختار ژئوپلیتیکی جهان در مواجهه با ویروس کرونا دو برابر احتمال رخ دادن حالت‌های مطلوب است و در نتیجه باید مناسب‌ترین استراتژی‌ها در ارتباط با پیامدهای منفی این ویروس در نظر گرفته شود.

حضرتی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر کرونا بر محیط بحران در نظام‌های سیاسی جهان اسلام با تأکید بر منطقه خاورمیانه، به دنبال این پرسش بوده‌اند که بحران کرونا چگونه مناسبات قدرت و کیفیت حکمرانی را در نظام‌های سیاسی خاورمیانه متحول نموده است. یافته‌های آنها نشان می‌دهد بحران کرونا در کنار سایر متغیرها احتمالاً به تقویت اقتدارگرایی در نظام‌های پادشاهی، گسترش گرایش‌های ناسیونالیستی، تعمیق شکاف دولت - ملت و افزایش شکاف دولت‌های غنی و فقیر در خاورمیانه می‌انجامد.

پاینده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان در جستجوی بدیلی برای سیاست قرنطینه کامل: حکمرانی داده‌محور در مواجهه مؤثر با کووید ۱۹، به بررسی اسناد و اطلاعات موجود درباره کشورهایی که حکمرانی مبتنی بر کلان‌داده شهروندان را محور مدیریت بحران کووید ۱۹ قرار داده‌اند پرداخته و عملکرد آنها را در مدیریت این بحران مورد ارزیابی قرار داده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از سریع‌ترین گزینه‌های پیش روی مدیران بحران در کشور، دست کم در مراحل آغازین همه‌گیری، بهره‌گیری از قابلیت‌های نوظهور از جمله کلان‌داده و هوش مصنوعی است.

خانکه و تبریزچی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان مروری بر سیاست‌های کشورهای منتخب در کنترل همه‌گیری کووید ۱۹، به مرور سیاست‌های کشورهای موفق منتخب در مهار گسترش همه‌گیری کووید ۱۹ پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد موفقیت یا عدم موفقیت در کنترل بیماری بستگی به سرعت عمل، جدیت، نحوه تدوین سیاست‌ها و اقدامات بر اساس شواهد علمی بومی و بین‌المللی، پایش مداوم، اطلاعات رسانی به موقع و جلب حمایت جامعه در همراه با سیاست‌ها دارد. از نظر آنها بررسی تجارب بین‌المللی و استخراج درس‌آموخته‌ها و اصلاح برنامه‌ها ضمن ارتقاء تاب‌آوری، زمینه ارتقا آمادگی ملی و بین‌المللی را فراهم می‌سازد.

مطالعات خارجی

اشنایدر و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان کووید ۱۹، چین و آینده توسعه جهانی، ریشه‌ها و ویژگی‌های متمایزی از سیاست‌های و چشم‌اندازهای توسعه چین را مورد مطالعه قرار داده‌اند و استدلال می‌کنند در دنیای پساکرونا برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه این سیاست‌ها و چشم‌اندازها ممکن است به عنوان جایگزینی جذاب برای پارادایم توسعه تحت رهبری ایالات متحده مطرح شود.

جیانتی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان چگونگی تغییر پایداری کشورها پس از کووید ۱۹، به این نتیجه رسیده‌اند که پایداری اقتصادها یک سال پس از بحران کرونا در ابعاد مختلف و با توجه به قدرت اقتصادی کشورها تحت تأثیر منفی قرار گرفته است.

کول و دادس (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان ژئوپلیتیک ناسالم؟ مرزبانی بیماری در دوران کروناویروس، بر اهمیت کشف رابطه بین سلامت و ژئوپلیتیک می‌پردازند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که کووید ۱۹ مولد سه روایت ژئوپلیتیکی بوده است: سلامت عمومی به عنوان نمادی از رقابت قدرت‌های بزرگ، مرزبانی ویروس و ماسک صورت به مثابه تجسم قدرت.

مطالعه مقالات مختلف از جریان اصلی مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی که به برخی از آنها در خلال پژوهش حاضر اشاره شده، نویسنده را متقاعد ساخت که تاریخ حرکت حیات غیرانسان از مرزها و چالش‌های ژئوپلیتیکی قرنطینه مرزها در دوران همه‌گیری در تحقیقات جریان اصلی مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی مورد توجه جدی قرار نگرفته است. اطلاعات قابل توجهی وجود دارد اما این اطلاعات در طیف گسترده‌ای از رشته‌های مختلف تخصصی پراکنده است، رشته‌های که در بیشتر موارد ربطی به مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی و نظریه مرز ندارند. موضوع غالبی که از ادبیات تحقیق می‌توان فهمید قرنطینه علیه بیماری‌هایی است که انسان، حیوانات یا گیاهان را مبتلا می‌سازد، مسائل درهم‌تنیده دیگری نیز از این ادبیات می‌توان دریافت: بیماری حیوانات؛ واکنش به طاعون انسانی؛ گسترش استعماری؛ و پیمان‌های بین‌دولتی در مورد

حرکت موجودات غیرانسان. لذا تحقیق حاضر تلاش می‌کند خلاء موجود را پر کرده و با گذار از دیدگاه‌های صرفاً انسان‌گرایانه در مطالعات مرزی، زمینه را برای ورود سایر دیدگاه‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی فراهم سازد.

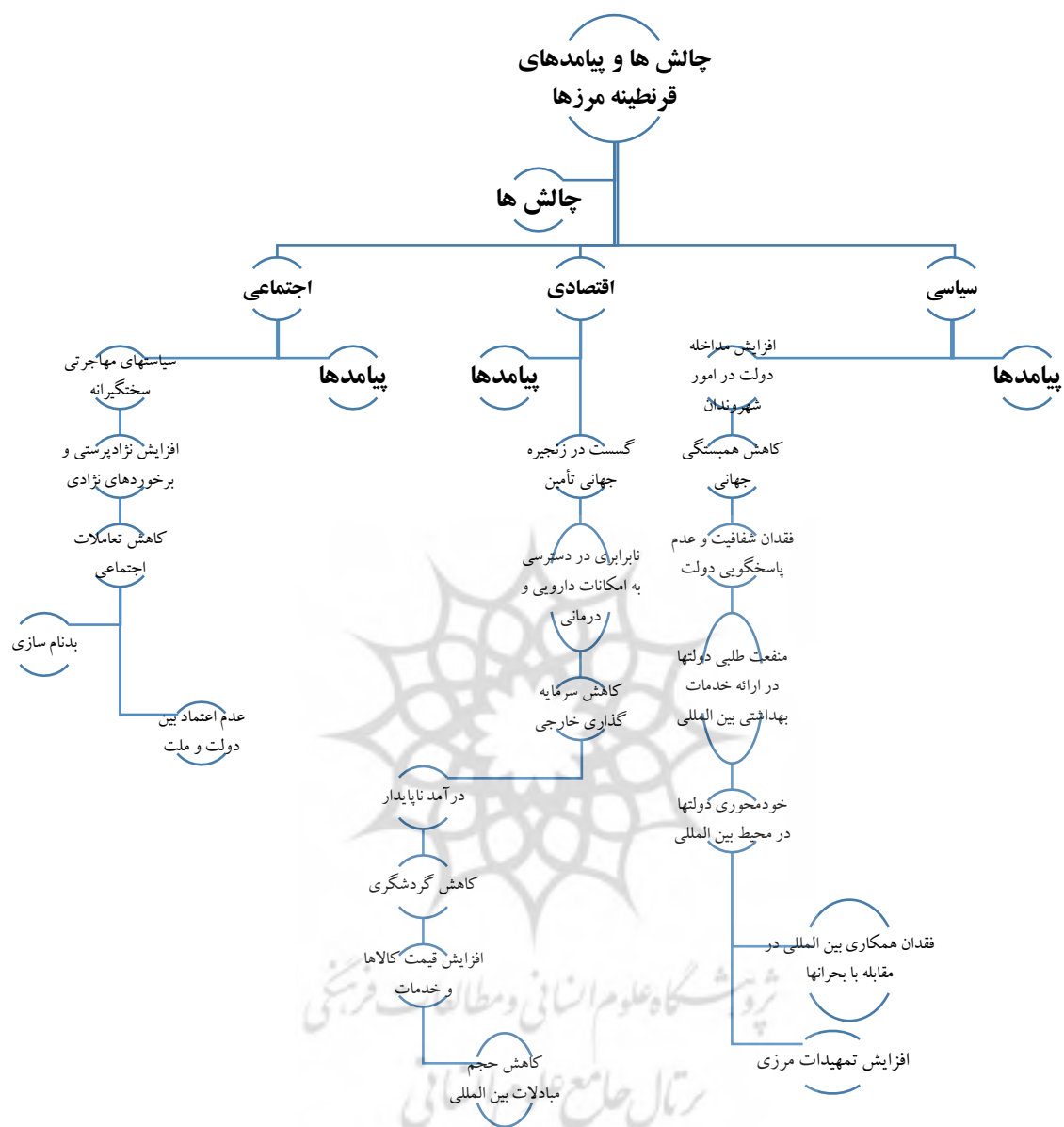
چارچوب نظری

امروزه میکروب‌ها با روش‌های علمی خلق می‌شوند، ماهیت آنها بازسازی می‌گردد و رابطه آنها را با دنیای انسانی دچار تغییر می‌کند. علم، احتمالات حیات میکروبی را طوری گسترش داده که باعث ایجاد ترس می‌شود و درک انسان‌محور از جهان را به چالش می‌کشد. آگاهی از اینکه میکروب‌های نادیده در همه محیط‌ها از جمله بدن انسان، نفوذ می‌کنند نحوه زندگی مردم در جهان را تغییر می‌دهد (Armstrong, 2017:4). تلاش برای مهار همه‌گیری‌ها و یافتن راه‌حل بلندمدت از طریق واکسن‌ها با طیفی از مسائل سیاسی مربوط به نظام‌های بهداشتی، سیاسی، حقوق بشر، حاکمیت، تحرک و مرزها تلاقی پیدا کرده است. بنابراین، ظهور همه‌گیری‌ها فرصتی برای جغرافیای سیاسی مهیا کرده تا زیربنای ژئوپلیتیکی نظام‌های سلامت و بهداشت را با نگاهی جدی‌تر دنبال کند. در طول همه‌گیری کووید ۱۹ نقش چهار عامل برجستگی قابل توجهی داشته است: ریسک/آسیب‌پذیری، بدنام‌سازی، همکاری‌های بهداشتی بین‌المللی و زیرساخت‌های مرزی (Sturm et al, 2021:2).

در این رابطه یکی از موضوعات مهم موردعلاقه در ژئوپلیتیک می‌بایست نظام‌های قدرتی باشد که به افراد، کشورها و جوامع انگ تهدید، مخاطره یا ناشایستی می‌زنند. برای مثال با شروع همه‌گیری ایدز در دهه ۱۹۹۰، محققان اعلام کردند که این بیماری می‌تواند به‌مثابه یک دال مشکل‌ساز طیفی از شرایط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دچار پیچیدگی و تحریف کند. با توجه به خطرات جغرافیایی نامگذاری بیماری‌ها، سازمان بهداشت جهانی در مه ۲۰۱۵ پیشنهاد کرد نام‌گذاری هر نوع بیماری عفونی جدید انسانی می‌بایست آسیب‌های احتمالی نسبت به گروه‌های فرهنگی، ملی، منطقه‌ای و قومی را در نظر بگیرد. با همه این توصیه‌ها، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده در تویتر ویروس کووید ۱۹ را به شکل «ویروس ووهان»، «آنفلوآنزای کونگ» یا «ویروس چین» به کار برد و باعث تشدید چین‌هراسی و تشویق خشونت ضدآسیایی گردید (Lim, 2020:442). همه‌گیری کووید ۱۹ فرصت تازه‌ای برای جغرافیدانان سیاسی فراهم ساخته تا پویایی اجتماعی - فضایی همکاری یا رقابت جهانی را مورد بررسی قرار دهند. زیرساخت‌های مرزی اکنون وارد عرصه برنامه‌ریزی امنیت بهداشت عمومی شده‌اند. بخشی از تحقیقات مرزی که بر بحران مهاجران در منطقه مدیترانه و مناطق مرزی ایالات متحده - مکزیک متمرکز شده است نشان می‌دهد که چطور کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایالات متحده از گشت‌های مرزی، فناوری‌های نظارتی، جمع‌آوری داده‌ها، موانع فیزیکی و ساز و کارهای قانونی برای بازدارندگی و جابجایی مهاجران بالقوه استفاده می‌-

کنند (Delmas & Goeury, 2020:13). پس از بروز همه‌گیری کووید ۱۹، هم‌زمان با اینکه کشورهای اتحادیه اروپا به دنبال مهر و موم کردن مرزهای خارجی خود و حتی توقف حرکت در داخل خود اتحادیه افتادند، این استراتژی‌های مرزی نیز بسیار واضح‌تر و متنوع‌تر شد. به عبارت دیگر علاوه بر مهاجران غیراتحادیه‌اروپا، خود شهروندان اتحادیه نیز شاهد بسته‌شدن و تعطیلی‌های گسترده مرزها بودند. در مجموع می‌توان گفت مسأله همه‌گیری یک موضوع ژئوپلیتیکی است زیرا استراتژی‌ها و شیوه‌های اجتماعی - فضایی که برای جداسازی انسان‌ها و جوامع از سایرین طراحی می‌شوند را مورد هدف قرار می‌دهد (Cole & Dodds, 2021:170). همان‌طور که جغرافیدانان پزشکی اشاره کرده‌اند، مدیریت همه‌گیری بنا به دو دلیل امری فضایی است: نخست درمان بیماری همیشه امری اجتماعی - فضایی است زیرا مقامات یا به دنبال تحمیل اقدامات قرنطینه و یا محدود ساختن ناقلان بیماری هستند. دوم، بیماری توسط مجموعه‌ای از کنش‌گران و نیروهای انسانی و غیرانسانی که با فضا و مکان سر و کار دارند آشکار می‌شود. بنابراین، بیماری‌ها به بخشی از مباحث ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند زیرا مطلوبیت و دوام سازه‌های حکمروایی ملی، منطقه‌ای و جهانی را آشکار می‌سازند. با شیوع کووید ۱۹ بعضی از کشورهای غربی، روسیه و چین را به استفاده از تجهیزات پزشکی و واکسن‌های خود برای ایجاد مزیت‌های استراتژیک در سایر نقاط جهان از جمله در داخل اتحادیه اروپا متهم کردند. جغرافیدانان سیاسی برای تفسیر سیاست‌های فضایی پیچیده ناشی از این همه‌گیری در جایگاه بسیار خوبی قرار دارند (Dodds et al., 2020:290). استراتژی‌های بهداشت عمومی مثل قرنطینه، فاصله‌گذاری اجتماعی و محدودیت‌های سفر ذاتاً جغرافیایی هستند زیرا آنها به دنبال محدود ساختن تحرک و سفر افراد هستند. واپایش‌های فضایی و سرزمینی ممکن است باعث ایجاد نابرابری‌ها شوند، اما در عین حال ابزارهای مؤثری برای مهار همه‌گیری به شمار می‌روند (Liu & Bennett, 2020:160). در ادبیات دانشگاهی، مرزها اغلب به مثابه ابزار قدرتی شناخته می‌شوند که تحت لوای نئولیبرالیسم برای حذف افراد نامطلوب از مکان‌های خاص تحمیل شده‌اند (Loong, 2019:41). به‌طور خاص، مرزها تحت لوای نئولیبرالیسم تحرکات خاصی را امکان‌پذیر می‌کنند (مثل سرمایه، جریان‌های تجاری، نیروی کار ارزان) در حالی که مانع سایر تحرکات می‌شوند (مثل مهاجران نامطلوب). این مسأله، ظرفیت فیلترینگ مرزها و ماهیت خودسرانه و اغلب خشن رویه‌های مرززایی حکومت را برجسته می‌سازد (Jones, 2016:43). اما برای فهم معنای مرزها در طول دوران کووید ۱۹ باید از منظر پرسش کلیدی دیوید نیومن به موضوع نگاه کنیم؛ اینکه مرزها برای چه کسانی؟ یعنی، چه کسانی از محصور کردن یا محصور شدن توسط دیگران سود می‌برند؟ (Newman, 2003:22). این موضوع به نوبه خود مسأله روابط قدرت را مطرح می‌سازد؛ کدام گروه‌ها در جامعه خواهان مرز هستند؟ چه فرایندهایی گروه‌های اغلب نخبه را قادر می‌سازد تا این تصمیمات را بگیرند؟ برخلاف نئولیبرالیسم، واقع-

گرایان دولت‌ها را بازیگران اصلی سیاست می‌دانند که بر این اساس در بحران کرونا دولت‌ها به مثابه بازیگران اصلی همچنان خودنمایی می‌کنند و تنها بازیگر شرایط بحرانی دولت‌ها هستند. طبق نظریه واقع‌گرایی، بنا به سنت دیرینه خود، دولت‌ها منفعت‌طلب هستند و از این جهت به هرگونه تهدیدی که بقای آنها را به مخاطره بیندازد واکنش متناسب نشان خواهند داد. بر این اساس دولت‌ها در رویارویی با تهدیدات کرونا گارد تهاجمی یا دفاعی به خود می‌گیرند (رومی و کاظمی، ۱۳۹۹: ۶۷). در واقع از دیدگاه واقع‌گرایی، دولت‌ها به محض مواجهه با تهدید، خصلت خودمحورانه و خودخواهانه پیدا خواهند کرد. هرچند اگر همکاری جهت رفع تهدید را سودمند بدانند به آن گرایش پیدا خواهند کرد اما دستیابی به همکاری‌های مؤثر بین‌المللی برای مقابله با بحران جهانی، به رغم نیاز آشکار به آن، ممکن است در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل و عدم اعتماد دولت‌ها به همدیگر آسان نباشد. یکی از مفروضات اصلی واقع‌گرایان این است که دولت کنشگر اصلی نظام بین‌الملل است و بازیگران غیردولتی هیچ تأثیر قابل‌توجهی در آنچه در امور جهان می‌گذرد ندارند. واقع‌گرایان سازمان‌های بین‌المللی را ابزار دست قدرت‌های بزرگ می‌دانند. واقع‌گرایان اعتقاد دارند ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک است (عمرانی و مرادی، ۱۴۰۱: ۱۴۴). کنت والتز معتقد است در سیستم بین‌المللی قدرت مرکزی برای نظارت بر اجرای احکام صادره وجود ندارد (Waltz, 1979: 102). آنارشی پیامدهای مهمی به همراه دارد که از جمله آن می‌توان به بی‌اعتمادی و سوءظن دولت‌ها نسبت به همدیگر، تضمین بقا به عنوان هدف اصلی و تلاش برای به حداکثر رساندن قدرت و امنیت بر رفتار کشورها و روابط بین‌الملل اشاره کرد. اصلی بعدی که برگرفته از همین آنارشی موجود می‌باشد خودیاری در نظام بین‌الملل است. به دلیل وجود آنارشی، هر کدام از اعضای نظام بین‌الملل برای حفظ بقای خود در مقابل تهدیدات خارجی می‌بایست روی پای خود بایستند. اصل دیگر تأکید بر منافع ملی و ناسیونالیسم است. به عقیده مورگنتا منافع ملی معیاری همیشگی است که با آن باید اقدام سیاسی را ارزیابی کرد (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۳۸). اصل دیگر تلاش برای کسب قدرت بیشتر می‌باشد. در محیطی که دارای آنارشی باشد کشورها تلاش می‌کنند توانمندی‌ها و قدرت خود را برای رقابت نسبی افزایش دهند (Taliferro, 2009: 206). در این نوع فضا، به علت کمبود منابع حیاتی دولت‌ها در راستای منافع ملی خود برای دستیابی به امنیت، بازار و سایر منابع درگیر رقابت می‌شوند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۴). بر این اساس، دولت‌ها در مواجهه با بحران کرونا صیانت از منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. در مجموع می‌توان گفت آنچه در دوران کرونا از سیاست‌های دولت‌ها می‌توان برداشت کرد نزدیکی بیشتری با دیدگاه واقع‌گرایی دارد. در شکل شماره (۱) چالش‌ها و پیامدهای قرنطینه مرزها با نگاه به رویکرد واقع‌گرایی ترسیم شده است.



شکل شماره (۱): چالش‌ها و پیامدهای قرنطینه مرزها در دوران بیماری‌های همه‌گیر

پیشینه قرنطینه مرزها

سابقه قرنطینه حداقل به سال ۵۴۹ پس از میلاد در امپراتوری بیزانس و قرن هفتم در چین بر می‌گردد اما اجرای آن در مناطقی که فاقد مرزهای نظارت‌شده و دیوارکشی‌شده بودند بسیار دشوار بود. ورود طاعون از شرق نگرانی‌هایی در مورد تجارت ایجاد کرده بود. با پیشرفت سیاست‌های بهداشت عمومی، ونیز و سایر

حکومت - شهرهای ایتالیایی با ساخت نخستین مکان‌های تخصصی قرنطینه و درمان به این وضعیت واکنش نشان دادند. این ایده به سرعت به سایر شهرهای بندری گسترش یافت. در قرنطینه ماری «کشتی‌هایی که قبض بهداشتی پاک به همراه نداشتند به مدت ۳۱ روز قرنطینه می‌شدند و در طول این مدت هر محموله مشکوک الیاف یا سایر کالاها باید در هوای آزاد قرار می‌گرفت تا توسط خورشید پاک شود. افرادی که توانایی پرداخت هزینه را داشتند می‌توانستند وارد قرنطینه شوند» (Healy, 1997:32). افزون بر اسناد بهداشتی پاک برای کشتی‌ها، گذرنامه‌های سلامت فردی نیز حداقل به انجمن سلامت فلورانس^۱ باز می‌گردد که در طول شیوع طاعون ۱۳۴۸ میلادی ایجاد شد (Porter, 1999:36). تاریخ گذرنامه‌های سلامت به پیش از اولین نسخه گذرنامه بر می‌گردد. نخستین گذرنامه‌ها در سال ۱۶۶۹ و در فرانسه پدید آمدند (Torpey, 2000:41). «علاوه بر جداسازی قربانیان طاعون، تکنیک دیگر ایزوله کردن کل شهر بود». اولین دستور قرنطینه بهداشتی به دستور فرمانروای میلان در سال ۱۳۷۴ میلادی در شهر رگیونل امیلیا^۲ اعمال شد. فلورانس برای بستن شهرهای مبتلا به طاعون از سربازان استفاده می‌کرد و کسانی که از قرنطینه می‌گریختند ردیابی و کشته می‌شدند. انجمن سلامت فلورانس «افرادی که قصد سفر بین یک شهر و شهر دیگر را داشتند ملزم ساخت نخست از محل مبدأ خود گذرنامه سلامت دریافت کنند» (Watts, 1997:22). سابقه اقدام به قرنطینه همراه با پیشرفت دولت اجرایی محدود شد. امکان نگاه داشتن کشتی‌ها، کالاها و افرادی که از سایر جاها می‌آمدند مقامات دولتی را به تجارت، سلامت و حرکت مقید ساخت» (Bashford, 2004:115).

امپراتوری اتریش - مجارستان پس از پایان جنگ با عثمانی در سال ۱۷۳۹، در کرواسی منطقه کنترل طاعون بزرگی ایجاد کرد که ۴۰۰۰ نفر نیرو در آنجا مشغول به کار بودند. به گشت‌ها و پست‌های نگهبانی دستور داده شد به مسافران غیرمجاز تیراندازی کنند. افرادی که از امپراتوری عثمانی می‌آمدند مجبور بودند اجازه دهند زیر بغل و کشاله ران‌شان معاینه شود و تا ۴۸ روز در قرنطینه بمانند. کالاها و تجاری ضد عفونی می‌شدند. اگر به پشم خام مشکوک می‌شدند آن را «در انباری قرار می‌دادند که افراد بی‌بضاعت در آنجا می‌خوابیدند؛ اگر نشانه‌های طاعون در آنها بروز یافت مورد هدف گلوله قرار می‌گرفتند و پشم‌ها سوزانده می‌شدند» (Watts, 1997:25).

سابقه پیمان‌های بین‌المللی پیرامون قرنطینه

قرنطینه‌های یکجانبه در قرن نوزدهم مشکلاتی را برای گسترش تجارت جهانی پدید آورد. در این زمینه، «بیماری‌های عفونی نخستین مشکل جهانی هستند که به اعتراف کشورها تنها از طریق همکاری بین‌المللی

^۱. Florentine Board of Health

^۲. Reggio nell' Emilia

قابل حل است. بنابراین تهدید بیماری‌های عفونی از سایر نگرانی‌های جهانی قدیمی‌تر است». از سال ۱۸۵۱ تا ۱۹۰۰، کشورها ده کنفرانس تشکیل دادند و در مورد هشت توافق مربوط به بیماری‌های عفونی مذاکره کردند، هدف این کنفرانس‌ها در درجه اول جلوگیری از گسترش سرایت از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته بود. بریتانیا به دلیل منافع زیادی که در تجارت آزاد داشت علیه واگیردار بودن و با استدلال می‌کرد و در عوض بر اصلاحات بهداشتی داخلی و سلامت عمومی تأکید داشت. کشورهای فقیرتر اروپایی طرفداران سرسخت‌تر قرنطینه بودند (Fidler, 1999:7). مخالفان قرنطینه «دکترین سرایت که قرنطینه بر اساس آن بنا شده بود» را مورد حمله قرار می‌دادند (Harrison, 2006:203). مسأله اصلی نحوه برخورد با ده‌ها نظام مختلف قرنطینه بود، جایی که خودسری بسیار بیشتر از خود قرنطینه مانع تجارت می‌شد. قرنطینه سرانجام طی پیمانی در سال ۱۹۰۳ به صورت هماهنگ درآمد.

نخستین پیمان استفاده از اقدامات تجاری به منظور اهداف بهداشتی، پیمان ۱۸۷۸ در مورد شته فیلوکسرا^۱ بود که تاکستان‌ها را مورد حمله قرار داده بود. شیوع کپک پودری شراب‌سازان را ترغیب کرد از انگورهای آمریکایی برای مبارزه با آن استفاده کنند و این کار شپش گیاهی را به همراه آورد که برای شراب اروپا و ایران-کننده بود. چاره کار استفاده بیشتر از انگورهای آمریکایی بود زیرا استیوالیس ویتیس^۲ برخلاف وینفرا ویتیس^۳ اروپایی در برابر شته‌های بومی مقاوم بود. از سال ۱۸۶۹ تا ۱۹۷۳ بحث بر سر این بود که آیا شپش علت این بیماری است یا اینکه صرفاً اثری است که در آن امکان هجوم از طریق ناتوان‌سازی میسر شده است. «اگر ثابت می‌شد فیلوکسرا علت این قضیه است»، ملاحظات اقتصادی، از جمله صادرات سودآور شراب فرانسوی آسیب می‌دید. راه حل تاک آمریکایی، به شکل کاشت مستقیم و یا پیوند تاک‌های اروپایی بر روی ساقه آمریکایی با مخالفت «مدافعان تاکستان‌های خالص فرانسوی» که به غرور ملی متوسل شده بودند روبرو شد، با این استدلال که «شراب‌های فرانسوی باید خلوص باستانی خود را حفظ کنند و نباید با ساقه آمریکایی ترکیب شوند». بیماری‌های گیاهی ایجادشده مثل اتفاقی که در مورد آفت سیب‌زمینی (از مکزیک) و قحطی ایرلند در سال‌های ۱۸۴۸-۱۸۴۵ میلادی افتاد می‌توانست از ویرانی اقتصادی هم بیشتر باشد. کنوانسیون بین-المللی ۱۹۲۹ در مورد حفاظت از گیاهان تلاش کرد مشکلات سلامت گیاهان را در چارچوب مقررات درآورد. سازمان غذا و کشاورزی^۴ در سال ۱۹۵۱ این کنوانسیون را تحت عنوان کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از گیاهان از نو شکل داد. در بخشی از توافق‌نامه اقدامات سلامت و بهداشت گیاهان سازمان تجارت جهانی آمده که محدودیت‌های تجاری نیازمند تصدیق علمی است (Sorensen, et al, 2008:138-139).

^۱ . *Phylloxera vastatrix*

^۲ . *Vitis aestivalis*

^۳ . *Vitis vinifera*

^۴ . The Food and Agricultural Organization

چالش‌های قرنطینه مرزها در دوران همه‌گیری‌ها

چالش‌های همه‌گیری کرونا را در یک سطح کلان می‌توان به سه دسته چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. چالش در هر کدام از این سه حوزه پیامدهای فراوانی برای دولت و جامعه به همراه داشته است.

در گروه چالش‌های سیاسی همه‌گیری کرونا نشان داد که نئولیبرالیسم تاب‌آوری لازم در برابر شوک‌های جهانی ناشی از مسائل غیراقتصادی و غیرمالی را ندارد. همچنین کرونا تناقض موجود در اقتصاد نئولیبرالیسم را آشکار ساخت: یعنی ضرورت انتشار و جابجایی کالاها و افراد با علم به اینکه این جابجایی سبب گسترش بیماری و آمار مرگ‌ومیر خواهد شد (شکوهی، ۱۳۹۹: ۶۴). سیاست‌هایی که در دوران همه‌گیری ویروس کرونا از سوی دولت‌ها پیاده شده با شعارهای برجسته نئولیبرالیسم مبنی بر اولویت بازار، رقابت، دخالت حداقلی دولت و کارآمدی بخش خصوصی در تضاد بود. در نتیجه یکی از نخستین و مهمترین چالش‌هایی که توسط همه‌گیری کرونا پدیدار شد ضعف نسخه نئولیبرالیسم در رویارویی با بحران کرونا بود. بنابراین همزمان با بالا رفتن میزان ابتلا و تلفات کرونا، دولت‌ها شروع به امنیتی‌سازی بیماری کرونا نمودند. چالش دیگری که طی شیوع بیماری کرونا پدیدار شد، کم‌رنگ شدن گفتمان جهانی‌شدن بود. کشورهای جهان برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا نه تنها مرزهای زمینی و هوایی خود را به روی رفت‌وآمد بین‌المللی بستند، بلکه ارتباطات و رفت‌وآمد میان شهرها در داخل کشور را نیز متوقف ساختند و به نوعی رو به سیاست‌های قرنطینه کامل آوردند. چون مبارزه کشورهای مختلف با این بیماری، بیشتر به شکل ملی است همین امر سبب تقویت رشد ملی‌گرایی در کشورها گردید و فقدان تمایل برای همکاری بین‌المللی به یکی از چالش‌های اصلی این دوران تبدیل شد. مدت‌هاست که گونه اتریشی اقتصاد سیاسی، یعنی الگوی مبتنی بر دولت کوچک و غیرمداخله‌گر، تجارت آزاد و مالیات کم که بر اساس ایده‌های فردریش فون هایک (نئولیبرالیسم) ساخته شده بود، رویکرد غالب بود. اما با ظهور کرونا دولت بازیگر اقتصادی بسیار قدرتمندتری نسبت به قبل از همه‌گیری شد (بلیکلی، ۱۴۰۰). مورد دیگری که در گروه چالش‌های سیاسی می‌توان به آن اشاره کرد وضعیت حکمرانی ملی و بین‌المللی است. در زمینه حکمرانی ملی و جهانی می‌توان گفت شیوع ویروس کرونا فصل جدیدی را در حکمرانی و روابط بین‌الملل رقم زد. در بازتعریف نقش کشورها در حکمرانی جهانی، قدرت و سرعت عمل آنها در پاسخ دادن به بحران‌های غیرمنتظره از اهمیت فراوانی برخوردار است. ظهور ناگهانی کرونا در بیش از ۲۰۰ کشور جهان در کمتر از صد روز، و رای مرزهای جغرافیایی و سیاسی، چالشی جدی در زمینه حکمرانی ملی و بین‌المللی پدید آورد (بهارلو، ۱۳۹۹: ۶۶). این چالش از آنجا ناشی می‌شد که اکنون دولت‌ها در مقابل این دشمن نامرئی می‌بایست تصمیم می‌گرفتند که چگونه باید میان باز بودن مرزها و

محافظت از شهروندانشان یا وابستگی متقابل و خوداتکایی، تعادل برقرار کنند. آنچه بر اساس نگاه به اصول واقع‌گرایی می‌توان مطرح کرد آن است که طی دوره همه‌گیری، در داخل کشورهای مختلف فرایند تقویت فردگرایی و ملی‌گرایی و تقویت نقش دولت در اداره امور جامعه و تبدیل‌شدن موضوع سلامت و بهداشت عمومی به مسأله امنیت ملی مشهود بود. بنابراین دولت‌ها تلاش کردند با محدود کردن گردش آزاد افراد و کالاها با تهدیدات نوین مقابله کرده و برای حفظ جان شهروندانشان با سخت‌تر کردن سیاست‌های مهاجرتی و محافظت از مرزها و تقویت زیرساخت‌های مرزی خود از روند جهانی‌شدن و سیاست‌های نئولیبرالیستی عقب‌نشینی کنند. از سوی دیگر یکی از کارویژه‌های اصلی دولت‌ها و شاید مهمترین کارویژه آن تأمین امنیت است. بسیاری از نظریات تأسیس دولت به‌نوعی حول مفهوم تأمین امنیت شکل گرفته و اساساً قوه قهریه برای بهتر فراهم ساختن همین امنیت به‌طور انحصاری در اختیار نهاد دولت قرار گرفته است. در نتیجه دولت‌ها در دوران همه‌گیری کرونا در سطح داخلی و جهانی با چالش جدی در زمینه سنجش کارآمدی و اثرگذاری‌شان در زمینه حفظ سلامت عمومی و محافظت از جان شهروندان و اثبات کیفیت حکمرانی خود روبرو شدند. شکست در چالش کارآمدی در مقابله با همه‌گیری می‌تواند اساس یک دولت را با تهدید جدی روبرو ساخته و آن را با بحران مشروعیت روبرو کند. یکی دیگر از چالش‌های مهمی که در گروه چالش‌های سیاسی قابل دسته‌بندی است مربوط به ناکارآمدی نهادهای برآمده از اندیشه لیبرالیسم است. هرچند ناکامی برخی از این نهادها پیش از وقوع همه‌گیری نیز تا حدودی پدیداری شده بود اما شیوع همه‌گیری کرونا باعث شد موجودیت این نهادها بیش از پیش در معرض تردید قرار بگیرد. از جمله این نهادها می‌توان به سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی اشاره کرد که هر دو در زمینه تسهیل فرایند تبادل دارو و تجهیزات پزشکی و دارویی بین کشورها با ناکامی روبرو شدند. همه‌گیری کرونا نشان داد وقتی محیط بین‌المللی با حالت آشفتگی، بی‌نظمی و آناارشی روبرو شود، تمام بنیان‌های نئولیبرالیسم در معرض چالش قرار خواهد گرفت و دولت‌ها با تکیه بر خودمحوری به سیاست‌های رئالیستی بازگشت خواهند داشت. در گروه چالش‌های اجتماعی، سیاست قرنطینه مرزها جوامع انسانی را با محدودیت‌های فزاینده‌ای روبرو ساخت. این محدودیت‌ها نه تنها نهاد دولت بلکه نهاد مذهب را نیز با چالش‌های جدی مواجه کردند. بسیاری از مناسک مذهبی به حالت تعلیق درآمد و زیارت اماکن مقدس در مذاهب مختلف با محدودیت‌های شدیدی روبرو شد. محدودیت ارتباطات، فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه مرزها تمام شئون روابط اجتماعی از آموزش گرفته تا مذهب و مناسبات اجتماعی را در معرض چالش سختی قرار داد. در گروه چالش‌های اجتماعی، اعلام قرنطینه در کشورها سبب شد تا مسأله توجه به عدالت اجتماعی در مناطق مختلف جهان نمود بیشتری پیدا کند. عدم برابری در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در داخل و بین کشورها باعث ایجاد نوعی نارضایتی در

میان لایه‌های مختلف اجتماعی کشورها شد. به‌عنوان مثال می‌توان به ایجاد تنش‌های اجتماعی بین گروه‌های مهاجر و جوامع میزبان در کشورها مختلف اشاره کرد که در مواردی منجر به سوءاستفاده از حقوق بشر و تشدید نژادپرستی شد. از سوی دیگر با گسترش بیماری، بسیاری از دولت‌هایی که منادی گفتمان لیبرالیسم غربی و آزادی حرکت بودند محدودیت‌های شدیدی در ارتباط با تجارت و سفر وضع نمودند. آلمان و فرانسه صادرات اقلام پزشکی مثل ماسک صورت را ممنوع اعلام کردند. دولت‌های لیبرال مدیریت خدمات بهداشتی خصوصی را در دست گرفتند و در عمل تجهیزات مختلف پزشکی را یا به نفع دولت توقیف کردند و یا کنترل شدیدی بر آن اعمال داشتند. دولت‌های ایرلند و اسپانیا، بیمارستان‌ها و کلینیک‌های خصوصی را ملی اعلام کردند. دولتی مثل ایتالیا حتی صادرات تجهیزات تنفسی را ممنوع کرد و بخش زیادی از خدمات بهداشتی را تحت کنترل درآورد. این وضعیت در هند، روسیه، ویتنام و کامبوج هم مصداق داشت. این کشورها نیز در زمینه صادرات مواد غذایی ممنوعیت‌هایی وضع کردند. تولیدکنندگان چینی که پیش از بحران کرونا بیش از نیمی از ماسک‌های پزشکی دنیا را تولید می‌کردند به دلیل شرایط ناشی از کرونا تولیدات خود را افزایش دادند اما دولت چین با مداخله در این امر همه ماسک‌هایی که در بازار موجود بودند را خریداری کرد. نتیجه این نوع آنارشی و رقابت جنون‌آمیز، بحران عرضه بود و کشورهایی که در تأمین این کالاها با دشواری روبرو بودند را در شرایط بسیار دردناکی قرار داد (بهمنی و شهبازیان، ۱۳۹۹: ۲۴۸). در گروه چالش‌های اقتصادی نیز مهمترین چالش پیش روی کشورها در دوران همه‌گیری افزایش جوّ بی‌اعتمادی در مناسبات اقتصادی بین‌المللی بود. شکل شماره (۲) شرایط محیط بین‌المللی پیش و پس از بحران همه‌گیری را به تصویر کشیده است. در مبحث پیامدهای ژئوپلیتیکی همه‌گیری از منظر اقتصاد سیاسی به ابعاد اقتصادی قرنطینه بیشتر پرداخته خواهد شد.



شکل شماره (۲): شرایط محیط بین‌المللی پیش و پس از همه‌گیری کرونا

پیامدهای ژئوپلیتیکی همه‌گیری؛ کووید ۱۹، قرنطینه مرزها و شکاف ژئوپلیتیکی در اقتصاد جهانی

اقدامات استثنایی در زمان وقوع همه‌گیری‌ها یا به نام امنیت ملی و امنیت زیستی توجیه می‌شود و یا به نام استراتژی‌های مرزی یا بهداشت عمومی. در واقع ویروس‌ها «اسطوره حاکمیت» را برملا می‌سازند و در عین حال رویه‌های مرزبانی خارق‌العاده‌ای را نیز سبب می‌شوند. بعضی محققان حدود یک دهه پیش هشدار می‌دادند که حکومت دیگر از هیچ نوع اختیار انحصاری بر قلمرو ملی خود برخوردار نیست، این امر می‌تواند طرفداران سیاست‌های پوپولیستی و ملی‌گرایانه را به سوی اعمال سیاست «محفظه سرزمینی» یا فیلتر عناصر نامطلوب هدایت کند. در نتیجه، ویروس‌ها را خیلی راحت می‌توان با مفاهیمی مثل «خارجی»، مهاجر، پناهنده یا جوامع اقلیت که با بیگانه‌ستیزی و بیگانه‌هراسی روبرو هستند صورت‌بندی کرد. در روزهای ابتدایی همه‌گیری کووید ۱۹، رسانه‌ها سرشار بودند از داستان‌های اتباع چینی یا دارای تبار چینی که در خیابان‌های لندن، سیدنی و جاهای دیگر جهان مورد بدرفتاری قرار می‌گرفتند؛ کار به جایی رسید که به دانشجویان چینی هشدار داده شد که ممکن است در زمان از سرگیری دانشگاه‌ها با بدرفتاری روبرو شوند (Caiyu & Keyue, 2020).

در واقع، محیط روزمره برای جوامع اقلیت تبدیل به محیطی «خصمانه» شده است زیرا رفتارها و حرکات آنها در معرض نظارت عیب‌جویانه قرار دارد. حاکمیت، شهروندان را تشویق می‌کند تا ویروس را از وطن دور نگاه دارند و نسبت به تخلف و ایجاد ناامنی فضایی از سوی غریبه‌ها هوشیار بمانند. شهروندان تشویق می‌شوند تا با نظارت، کنترل و محدودیت‌های بیشتر بر حرکات خود موافقت کنند. اقدامات اورژانسی، قانونی‌بودن یا غیرقانونی بودن افراد و اینکه چه کسی می‌تواند در حین همه‌گیری حرکت کند و چه کسی نمی‌تواند را بازتعریف می‌کند. مرزها بسته به این شرایط باز و بسته می‌شوند. در مقیاس جهانی در طول همه‌گیری کووید-۱۹، محدودیت‌های مرزی و حرکتی در طیفی از مقیاس‌های فضایی و زمانی برقرار شد (Ferhani&Rushton, 2020:459). برخی از اقدامات تحرک‌های محلی را هدف قرار داد (مثل منع رفت و آمد، محدودیت‌های فاصله در رفت و آمد در خارج از خانه و محل کار) در حالی که سایر محدودیت‌ها به حرکت‌های بین‌المللی (مثل ممنوعیت سفر، مسدودیت‌های مرزی و قرنطینه‌های اجباری) مربوط می‌شد. افزون بر آن، آرایش زمانی این محدودیت‌ها، هم از نظر مدت و هم زمان‌بندی، از یک کشور به کشور دیگر بسیار متفاوت بود. کشورهای آسیا - پاسیفیک که به‌طور قابل‌توجهی در مهار کووید-۱۹ از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی موفق‌تر بودند از این محدودیت‌های حرکتی به‌طرز نظام‌مند و جامع استفاده کردند (Lu et al., 2021). اما در اروپا موزاییکی از سیاست‌های محدودسازی تحرک و سفر در مهار کووید-۱۹ تا حد زیادی با شکست روبرو شد. سفر بین‌المللی از مقصد برخی کشورها محدود شد اما کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دلیل ترس از به خطر افتادن اصل حرکت آزاد در مرزهای ملی نسبت به اعمال کنترل‌های مرزی بی‌میل بودند. در بخش‌هایی از اتحادیه اروپا کنترل‌های مرزی موقت دایر و فعال گشت اما مخالفت قابل‌توجهی نسبت به این رویکرد وجود داشت؛ برای مثال اتحادیه اروپا طی اطلاعیه‌ای از شش کشور عضو (بلژیک، دانمارک، فنلاند آلمان، مجارستان و سوئد) که سیاست‌های بسیار سخت‌گیرانه‌ای در مورد قرنطینه مرزها در پیش گرفته بودند درخواست کرد تا کنترل‌های مرزی مرتبط با کووید-۱۹ را تسهیل کنند زیرا اقدام آنها باعث تضعیف حرکت آزاد افراد و کالاها شده بود. در ایرلند نیز بعضی گروه‌های تجاری با مقررات سخت‌گیرانه سفر و قرنطینه‌ها به مخالفت برخاستند زیرا مانع از انجام فعالیت‌های تجاری عادی می‌شد (Sturm et al., 2021:4). در سایر نقاط جهان کارگران خود را در خوابگاه‌هایی گرفتار دیدند که به دلیل محدودیت‌های ویزا و ملاحظات مالی نمی‌توانستند آنجا را ترک کنند. آنها پس از کاهش موارد بیماری، حتی به عنوان عامل تشدید بیماری مورد سرزنش نیز قرار گرفتند. برای کشورهای همسایه‌ای که مایل به تحمیل محدودیت‌ها، قرنطینه‌ها و اقدامات فاصله‌گذاری اجتماعی هستند، مرزهای بین‌المللی به‌صورت بالقوه می‌تواند تبدیل به نقطه اشتعال شود. کووید-۱۹ این نکته مهم را گوشزد کرد که مرزهای محلی، ملی و جهانی بین گروه‌های

اقتصادی - اجتماعی و نیز بین کشورها، نفوذپذیر و شکننده هستند. در عین حال باید توجه داشت که مرز پدیده‌ای است که می‌تواند با بازتحمیل پایش‌های مرزی قوی و دقیق، سخت‌تر شده و پتانسیل مهاجران، پناهندگان و حتی تاجران بین‌المللی و جوامع را در تداوم زندگی روزمره آنها با دشواری روبرو سازد. کووید ۱۹ شوک بی‌سابقه‌ای به اقتصاد جهانی محسوب می‌شود که هنوز بسیاری از پیامدهای آن پدیدار نشده است. به‌طور طبیعی این پرسش مطرح می‌شود که آیا این همه‌گیری می‌تواند اثرات بلندمدت ژئوپلیتیکی در تجارت بین‌الملل و سازمان‌ها و اقتصادهای سطح جهان داشته باشد یا خیر. یا این پرسش که آیا کووید ۱۹ افزون بر ایجاد چرخه منفی شدید در اقتصاد جهانی، منجر به تحولات ساختاری در سازمان اقتصاد بین‌الملل می‌شود؟ این ویروس آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصاد جهانی که تا همین اواخر برای بسیاری از افراد پنهان بود را آشکار ساخت. به عنوان مثال، عرضه محصولات ضروری پزشکی در سطح محلی با اختلال روبرو شد و نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها به زنجیره‌های طولانی و بین‌المللی تأمین متکی هستند و یک اختلال کوچک در امتداد زنجیره تأمین در همه‌جا فوری احساس می‌شود. مؤسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون^۱ اشاره می‌کند که چین، به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی لوازم پزشکی، کالاهای پزشکی چینی را از صادرات به سمت مصارف داخلی هدایت کرده است (PIIE, 2020). در نتیجه، همزمان با کاهش جهانی عرضه، قیمت جهانی تجهیزات پزشکی به میزان قابل‌توجهی افزایش یافت. از سوی دیگر تعطیل شدن طولانی بسیاری از کارخانه‌های چینی باعث شد تا صادرات کالا و تجهیزات از مقصد چین در دو ماه نخست ۲۰۲۰ نسبت به سال پیش از آن کاهش شدیدی پیدا کرده و روند تولید خودروهای اروپایی با وقفه روبرو شود و سایر غول‌های فناوری غیرچینی مثل مایکروسافت، اپل و سونی شاید کاهش شدید در تولیدات خود باشند. بعضی از خودروسازان جهان نیز پس از قطع دریافت قطعات از کشور چین مجبور به توقف تولیدات خود شدند. برای مثال مشکلات مربوط به زنجیره تأمین محصولات، باعث شد تولید جهانی لپ‌تاپ در ماه فوریه ۲۰۲۰ تا میزان ۵۰ درصد و تولید گوشی‌های هوشمند نیز در سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ تا حدود ۱۲ درصد کاهش پیدا کند (رومی و کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۹). تجربیاتی مثل این ممکن است آینده روابط بین‌الملل را تغییر دهد. حکومت‌ها با آسیب‌پذیری‌ها و وابستگی‌های ناخوشایند بین‌المللی روبرو هستند. وابستگی بیش از حد به زنجیره‌های تأمین جهانی ممکن است منجر به تجدیدنظر در تجارت جهانی و ارزیابی ریسک‌های مربوطه شود. هنگامی که به تحولات ژئوپلیتیکی و ساختاری در اقتصاد بین‌الملل که ممکن است در پی بحران کنونی کووید ۱۹ رخ دهد می‌رسیم، شاید این تصور ایجاد شود که دوران جهانی‌شدن مدرن که در ۳۰ سال اخیر با آن آشنا بوده‌ایم رو به پایان است. جهان پیش از این نیز شاهد نارضایتی فزاینده از جهانی‌شدن مدرن بوده است، مصداق آن را

^۱ . Peterson

می‌توانیم در برگزیت و جنگ تجاری بین چین و ایالات متحده بجویم، اما این نارضایتی اکنون و با بحران همه‌گیری شتاب بیشتری گرفته است. اکونومیست در این رابطه اشاره می‌کند که «آنارشی موجود در حاکمیت جهانی در حال پدیدار شدن است» (The Economist, March 14, 2020). پیامدهای احتمالی پدیدار شدن این آنارشی تجدیدنظر در افزایش تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، افزایش تخصصی‌شدن عمودی جهانی و سلطه اقتصادهای در حال ظهور مثل چین خواهد بود. نمی‌توان گفت جهانی‌شدن پایان می‌یابد اما حکومت‌های ملی، شرکت‌های تجاری و نیز مصرف‌کنندگان نهایی شکل و مرحله کنونی جهانی‌شدن را با ارزیابی ریسک مورد بازبینی قرار خواهند داد. هم اقتصاد خرد و کلان و هم بازیگران اقتصادی باید در برابر شوک‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای مثل جنگ تجاری غیرمنتظره یا شیوع یک همه‌گیری دیگر مقاوم‌تر شوند. از دیدگاه اقتصاد بین‌الملل حداقل دو مسیر اصلی در جهان پساکرونا برای تحول و تغییر وجود دارد. مسیر نخست شامل تجدیدنظر در مفهوم بهره‌وری می‌شود که از زمان سقوط دیوار برلین محرک جهانی‌شدن و تقسیم بین‌المللی کار بوده است و نیز ورود کشورهایی مثل چین و هند به صحنه اقتصاد جهانی. به احتمال زیاد این مفهوم جای خود را به مفهوم جدید بهره‌وری خواهد داد که در آن مناطق واسطه، امنیت خطوط تولید و ضمانت تحویل برجسته خواهد شد. به‌طور خلاصه این به معنای بازگشت به ذخایر ایمن در زنجیره‌های ارزش برای ضدشوک ساختن آنهاست (Brakman et al, 2020:3). این بازگشت تا حدی توسط شرکت‌های بزرگی آغاز می‌شود که مایل به پذیرفتن خطر ایجاد اختلال مجدد در زنجیره تأمین خود نیستند. این وضعیت باعث می‌شود حکومت‌های ملی نیز به دنیای تجارت فشار وارد کنند تا عرضه محلی را به‌عنوان بخش‌های حیاتی در دستورکار قرار دهند. مسیر دوم این است که کووید ۱۹ با افزایش اهمیت مرزهای بین‌المللی تأثیری ماندگار بر اقتصاد بین‌الملل بر جا خواهد گذاشت. مرزها بنا به دو دلیل باز می‌گردند. نخست، واقعیت این است که در دوران پساکرونا شرکت‌ها، مصرف‌کنندگان و دولت‌ها ارزش بیشتری برای تولید محلی یا تولید نزدیک و دسترسی به محصولات و خدمات (به‌ویژه حیاتی) قائل خواهند شد. دوم زنجیره‌های جهانی تأمین نه تنها متنوع می‌شوند بلکه به سمت منطقه‌ای‌شدن نیز هدایت خواهند شد (Seric & Winkler, 2020). این حرکت به معنای بازگشت به سمت اقتصاد ملی خودبسنده مثل دهه ۱۹۳۰ نیست بلکه ایجاد فاصله زیادتر منجر به افزایش منطقه‌ای‌شدن می‌شود. اتحادیه اروپا و ایالات متحده دیگر وابستگی کامل به زنجیره تأمین‌کنندگان راه‌دور محصولات و خدمات را معقول نمی‌دانند. در حال حاضر، بسیاری از زنجیره‌های ارزش کاملاً به زنجیره‌ای که تقریباً به طور کامل در انحصار چین و هند قرار دارد وابسته هستند. افزون بر این، مرزها ممکن است دوباره اهمیت بیشتری پیدا کنند زیرا حکومت‌های ملی (و شهروندان آن) خطرهای مربوط به جریان‌های بین‌المللی یا فرامرزی مردم و کالاها را مورد تجدیدنظر قرار

می‌دهند (Bladwin&Evenett, 2020). هدف از این تجدیدنظر بزرگ‌مقیاس در واسطه‌ها و ابعاد مرزی، افزایش انعطاف‌پذیری شرکت‌ها و جوامع است. حکومت‌های ملی تلاش می‌کنند تا اقتصادها و شهروندان خود را در برابر شوک‌هایی مثل کوید ۱۹ بهتر بتوانند سازگار و محافظت کنند، شرکت‌ها و کارگران آنها نیز تلاش می‌کنند تا آزادی عمل بیشتری در برابر شوک‌های احتمالی آینده به دست آورند و مصرف‌کنندگان نیز در امتداد این دو بُعد در رفتارها و تصمیمات خود تجدیدنظر خواهند کرد. در مورد جهانی‌شدن حتی پیش از شیوع همه‌گیری کوید ۱۹ نیز پیام‌های متفاوتی به گوش می‌رسید و اکنون می‌توانیم شاهد ارزیابی مجدد حکومت‌ها و شرکت‌ها از شرایط موجود باشیم. از یک‌سو، اقتصاد بین‌المللی کمتر جهانی و بیشتر منطقه‌ای خواهد شد. این به معنای کاهش تجارت بین‌المللی یا جریان‌های سرمایه نیست، بلکه به معنی لحاظ کردن فاصله جغرافیایی و تمایل به یکپارچگی اقتصادی بیشتر با کشورهای مجاور است. افزون بر این تجربه قرنطینه باعث آگاهی از این شد که در حوزه‌های تولید که به طور سنتی نیازمند حضور در یک ساختمان اداری بود می‌شود از راه دور کار انجام داد. ارتباط بین اداره و کارمند به دلیل قرنطینه قطع شد، چرا ارتباط بین مرز و بیرون از مرز قطع نشود؟ بنابراین می‌توان به‌ویژه در عرصه خدمات انتظار گسستگی بین‌المللی را داشت. در واقع می‌توان گفت همه‌گیری کرونا باعث شد مفهوم فاصله جغرافیایی مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. شبکه گسترده اقتصاد جهانی در دوران جهان‌شدن تا حدودی مفهوم فاصله جغرافیایی را به فراموشی سپرده بود و زنجیره‌های تأمین تا دورترین نقاط از نقطه تولید و توزیع امتداد داشت اما با سیاست‌های قرنطینه شدید مرزها که از سوی حکومت‌های ملی در اوج بحران کرونا اعمال شد، شاهد از هم گسستن و شکاف در زنجیره‌های تأمین در سراسر جهان بودیم که گاهی حتی به تعطیلی بعضی صنایع نیز منتهی گردید. این وضعیت باعث شده سازمان‌ها و شرکت‌ها برای حفظ زنجیره‌های تأمین اکنون فاصله جغرافیایی را به عنوان یکی از متغیرهای بسیار اثرگذار مورد تجدیدنظر قرار دهند. این تغییر جهت می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده‌ای در مناسبات سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ از جمله چین و ایالات متحده به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تاریخ ارگانیک ما نشان می‌دهد که مبالغه در مورد جهانی‌شدن، خطر همه‌گیری و سایر عناصر «جهانی خطر» از نوعی پویایی برخوردار است که ریشه آن به گذشته‌ها بر می‌گردد. این‌طور نیست که چیز جدیدی به وجود نیامده باشد؛ فناوری و شکل‌های جدید حکمروایی جهانی منجر به تحولات مرزی مهمی شده‌اند. اما تداوم‌ها مورد غفلت واقع شده‌اند. در حالی که در گذشته کلیدواژه مهم برای زندگی در آن سوی مرزها «قرنطینه» بود، این شیوه فضایی به لحاظ گفتمانی با استراتژی‌های بلندپروازانه‌تری ترکیب شده که نشان آن را می‌توان در

پیدایش «امنیت زیستی» پیدا کرد. حرکت موجودات غیرانسان به این سو و آن سوی مرزها نقشی مهم و طولانی در شکل گرفتن مرزهای ملی و تداوم میراث‌ها داشته است. مهمترین این میراث‌ها قرنطینه است که به دلیل افزایش بیماری‌های جدید عفونی دوباره برجسته شده است. اواخر قرن بیستم استفاده از فناوری‌های جدید پزشکی این باور گسترده را ایجاد کرد که بیماری‌های عفونی دیگر امری مربوط به گذشته محسوب می‌شوند. اما پیدایش بیماری‌های جدید عفونی در دهه‌های اخیر و گسترش مقاومت آنتی‌بیوتیکی و مهم‌تر از همه همه‌گیری کووید-۱۹، آن باور را کاملاً به چالش کشیده است. در گذشته، قرنطینه تلاش می‌کرد تا از حاکمیت محافظت کند و در خدمت تقویت مرزها قرار داشت اما مشکلاتی را برای جهان به‌هم پیوسته ایجاد کرد. بنابراین پیمان‌های بین‌المللی اولیه تلاش کردند آن را محدود کنند. در دنیای کنونی، رشد سریع فناوری‌های زیستی، جهانی‌شدن و وسواس نسبت به تروریسم دوباره مسأله تمهیدات مرزی را به میان کشیده است. بیماری‌های مشترک انسان و حیوان باعث شده تا نفوذ متقابل و پیچیده زندگی انسانی و حیوانی و خطرهایی که رویه‌های کنونی برای جهان به همراه دارد برجسته‌تر شود. سرعت کم‌رنگ شدن مرزها و گاهی حتی خود مفهوم حاکمیت حکومت در چند دهه اخیر در بخش اعظمی از جهان بسیار پرشتاب بوده است. اما به نظر می‌رسد همه‌گیری باعث شده جهان با احتیاط بیشتری در مورد مفاهیم مرز و حاکمیت بیاندیشد. به‌طور کلی وقوع بحران همه‌گیری کرونا موجب تقویت رقابت‌های پیشین میان دولت‌ها شد زیرا شهروندان و رهبران این دولت‌ها اعتقاد داشتند که اعتمادشان به جامعه بین‌المللی آنارشیستیک و بی‌قاعده جهت تضمین امنیت ملی و رفاه یک پیشنهاد بسیار خطرناک است. شیوع این همه‌گیری باعث شد برخی مفاهیم بنیادی لیبرالیسم مثل همبستگی و تعهد متقابل، آزادی و برابری به‌عنوان شعارهای توخالی از معنا تهی شوند. دولت‌ها طی این بحران به‌طور جدی بر بقای خود متمرکز شدند و از هیچ تلاشی برای زنده ماندن خود حتی به قیمت نابودی و به‌خطر افتادن سایر کشورها فروگذاری نکردند. شیوع همه‌گیری کرونا بهترین آزمون برای سنجش کارایی نظم‌های لیبرال در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. این همه‌گیری با سرعتی عجیب ضعف‌های نظام سرمایه‌داری لیبرال را آشکار ساخت. شکاف طبقاتی و نابرابری، کاهش یافتن مسئولیت دولت در زمینه رفاه عمومی و قطع هزینه‌های عمومی در حوزه آموزش و مراقبت‌های بهداشتی از نمونه رهاوردهای نظام نئولیبرالیستی حاکم بر جهان است. بحران همه‌گیری عملاً نشان داد که انسان در عرصه‌هایی مانند سلامت و درمان نمی‌تواند به نظام نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری تکیه کند. بنابراین بر همین اساس در این پژوهش سه گروه چالش در قالب چالش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح گردید و تلاش شد با رویکردی واقع‌گرایانه پیامدهای همه‌گیری کرونا در این سه حوزه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. در گروه چالش‌های سیاسی، پیامدهایی مثل افزایش مداخله دولت در امور شهروندان، کاهش همبستگی جهانی، فقدان شفافیت و

عدم پاسخگویی دولت، منفعت‌طلبی دولت‌ها در ارائه خدمات بهداشتی بین‌المللی، خودمحوری دولت‌ها در محیط بین‌المللی، فقدان همکاری بین‌المللی در مقابله با بحران‌ها و در نهایت افزایش تمهیدات مرزی از جمله مهمترین پیامدها به شمار می‌آیند. در گروه چالش‌های اقتصادی، می‌توان به گسست در زنجیره جهانی تأمین، نابرابری در دسترسی به امکانات دارویی و درمانی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، درآمدهای ناپایدار، کاهش گردشگری، افزایش قیمت کالاها و خدمات و کاهش حجم مبادلات بین‌المللی اشاره کرد. در دسته چالش‌های اجتماعی مهمترین پیامدها عبارت بودند از سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه، افزایش نژادپرستی، کاهش تعاملات اجتماعی و بدنام‌سازی. فضای بین‌المللی پیش از بحران همه‌گیری کرونا فضایی بود که تا حد زیادی تحت‌تأثیر اندیشه‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی قرار داشت. ویژگی‌های این گفتمان شامل تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی، کم‌رنگ‌شدن اهمیت مرزهای بین‌المللی، عدم‌دخالت دولت در امور شهروندان و اعتماد به برون‌سپاری خدمات و تولید و تکیه بر زنجیره جهانی کالا با فواصل جغرافیایی دوردست است که به‌نوعی همگی در قالب جهانی‌شدن قابل بحث است. اما محیط آنارشیک مدنظر واقع‌گرایان که طی این بحران به‌خوبی پدیدار شد پیامدهایی مثل جستجو برای تضمین بقا، تشدید رقابت میان دولت‌ها، تضعیف نهادهای بین‌المللی، کمبود منابع، تقویت زیرساخت‌های مرزی، رواج گفتمان مهاجرت‌گری و رواج قرنطینه را به همراه داشت. در نتیجه در طول این همه‌گیری مهمترین بنیان‌های لیبرالیسم با چالش‌هایی مثل تحکیم جایگاه دولت، اقتدارگرایی دولت‌ها، افزایش مداخله، تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای و جهانی و رقابت و تعارض میان قدرت‌های بزرگ روبرو شد. در پایان پیشنهاد پژوهش حاضر آن است که باید بیش از گذشته، سایر رشته‌های تخصصی را در مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی بگنجانیم. چنین ظرفیت بالقوه‌ای به ما کمک می‌کند تا زوایای جدیدی از مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی را مطرح بسازیم. این ارتباط تاکنون آنچنان که باید در مطالعات مرزی جدی گرفته نشده و لازم است مطالعات بیشتری برای جا انداختن این نوع گفتمان صورت بگیرد. بنابراین می‌توانیم افزون بر جریان غالب مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی از ظرفیت رشته‌های طبیعی، زیستی و پزشکی هر چه بیشتر استفاده کنیم و افزایش این نوع مطالعات می‌تواند راهگشای نوآوری‌های پژوهشی جدید در حوزه مطالعات مرزی و ژئوپلیتیکی باشد. به دلیل آنکه نخست، این مسائل در مدیریت مرزها مهم هستند و غفلت از آنها توان مطالعات مرزی جامع‌تر را کاهش می‌دهد. دوم، خطرها و نگرانی‌ها به دلیل تحولات معاصر مثل افزایش مرکزیت زیست‌شناسی در اقتصاد، ظرفیت‌های بسیار پیشرفته ما برای متحول ساختن زندگی به شیوه‌های جدید و بی‌شمار، افزایش هجوم از جانب جمعیت‌های رو به رشد به سمت مناطق طبیعی باقیمانده همراه با خطرهای بیماری‌های جدید همه‌گیر و حساسیت زیاده‌تر نسبت به اینکه چگونه سیاره خود را با گونه‌های همراهان به اشتراک بگذاریم، تشدید می‌شوند. سوم، مطالعات

میان‌رشته‌ای ایده‌های جدیدی برای جغرافیدانان سیاسی فراهم می‌سازد تا تهدید بازگشت‌های تقلیل‌دهنده را کاهش دهند، تهدیدی که در صورت افزایش تعداد محققان مرزی که روی موضوعات مرزی سنتی‌تر کار می‌کنند احتمال وقوع آن وجود دارد. برای حفظ هیجانی که محققان مرزی در طول چند دهه گذشته به دست آورده‌اند، باید مرزهایی که رشته ما را تعریف می‌کنند به چالش بکشیم و آن را گسترده‌تر کنیم.

کتابنامه

1. Alam, Mahmudul, et al. (2023). World energy economics and geopolitics amid COVID-19 and post-COVID-19 policy direction. *World Development Sustainability* 2 (2023) 100048.
2. Armstrong, Melanie. (2017). *Germ Wars the Politics of Microbes and America's Landscape of Fear*. University of California Press.
3. Bahmani, Mohammad Ali, Shahbazian, Ali (2019) Protection of the right to health in investment lawsuits caused by widespread global diseases based on Covid-19, *Legal Research, Law and Corona Special*, Volume 33, pp. 245-276.
4. Baldwin, R., & Evenett, S. (2020). COVID-19 and Trade Policy: Why turning inward won't work. E-book: <https://voxeu.org/content/covid-19-and-trade-policy-why-turninginward-won-t-work>.
5. Bashford, Alison. (2004). *Imperial Hygiene: A Critical History of Colonialism, Nationalism and Public Health*. New York: Palgrave Macmillan.
6. Bharlo, Maitham (2019) new international order in the post-corona era, *Transcendent Governance Quarterly*, No. 2, summer.
7. Blakely, Grace (2021) *The political economy of Corona and the rise of state capitalism*, translated by Asgar Kahramanpour, Tehran, Jooyande publications.
8. Brakman, Steven, et al. (2020). The turn from just-in-time to just-in-case globalization in and after times of COVID-19 an essay on the risk re-appraisal of borders and buffer. *Social Sciences & Humanities Open* 2 (2020) 100034. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2020.100034>.
9. Caiyu, L., & Keyue, X. (2020). Chinese students warned of racial attacks in Australia. *The Global Times* 10 June 2020. URL available at: <https://www.globaltimes.cn/content/1191105>.
10. Cole, J., & Dodds, K. (2021). Unhealthy geopolitics? Bordering disease in the time of coronavirus. *Geographical Research*, 59(1), 169–181. <https://doi.org/10.1111/1745-5871.12457>
11. Delmas, A., & Goeury, D. (2020). Bordering the world in response to emerging infectious disease: The case of SARS-CoV-2. *Borders in Globalization Review*, 2(1), 12–20.
12. Dodds, K., et al. (2020). The COVID-19 pandemic: Territorial, political and governance dimensions of the crisis. *Territory, Politics, Governance*, 8(3), 289–298.
13. Doherty, James, Faltzgraf, Robert (2009) *Conflicting Theories in International Relations*, translated by Vahid Magorgi and Alireza Tayeb, Tehran, Qoms Publications.
14. Ferhani, A., & Rushton, S. (2020). The International Health Regulations, COVID-19, and bordering practices: Who gets in, what gets out, and who gets rescued? *Contemporary Security Policy*, 41(3), 458–477.
15. Fidler, David. 1999. *International Law and Infectious Diseases*. Oxford: Oxford University Press
16. Giannetti, B.F. et al (2023) How has the sustainability of countries changed after COVID-19? Evidence from the pandemics' first year, *Science of the Total Environment* 855 (2023) 158766. <http://dx.doi.org/10.1016/j.scitotenv.2022.158766>
17. Hafez-Nia, Mohammad Reza. (2019). Necessity of adopting a geopolitical strategy to solve pandemic crises. [In Persian]. *Geopolitics Quarterly*, 16th year, 2nd issue, summer.
18. Haraway, Donna. (2008). *When Species Meet*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

19. Harrison, Mark. (2006). Disease, diplomacy and international commerce: the origins of international sanitary regulation in the nineteenth century. *Journal of Global History* (1): 197 – 217.
20. Hazrati, Mohammad Amin, Javadani-Moghadam, Mehdi, Khansari, Seyed Mehdi. (2021). Investigating the effect of Corona on the crisis environment in the political systems of the Islamic world with an emphasis on the Middle East region. [In Persian]. *Islamic Awakening Studies*, 10th year, 3rd issue, autumn.
21. Healy, Margaret. (1997). Highways, hospitals and boundary hazards. In Thomas Betteridge, ed., *Borders and Travellers in Early Modern Europe*, pp. 17 – 33. Aldershot: Ashgate.
22. Jan-Parvar, Mohsen, Saleh-Abadi, Rehane, Bahrami-Jaf, Sajid. (2019). Geopolitical Effects of Corona Outbreak. [In Persian]. *Strategic Policy Research Quarterly*, Volume 9, Number 33, summer.
23. Jones, R. (2016). Violent borders: Refugees and the right to move. London: Verso. *Century. Journal of borderlands studies*, 34(4), 483–488.
24. Khanke, Hamidreza, Tabrizchi, Narges. (2019). Review of the policies of selected countries in controlling the epidemic of Covid-19. [In Persian]. *Culture and Health Promotion Journal of the Academy of Medical Sciences*, 4th year, 3rd issue, autumn.
25. Lim, R. (2020). Racial transmittances: Hemispheric virilities of anti-Asian racism and resistance in Mexico. *Journal of Asian American Studies*, 23, 441–457.
26. Liu, X., & Bennett, M. (2020). Viral borders: COVID-19's effects on securitization, surveillance, and identity in Mainland China and Hong Kong. *Dialogues in Human Geography*, 10(2), 158–163.
27. Loong, S. (2019). The neoliberal borderscape: Neoliberalism's effects on the social worlds of migrants along the Thai-Myanmar border. *Political Geography*, 74, 102035.
28. Lu, G., et al. (2021). COVID-19 in Germany and China: Mitigation versus elimination strategy. *Global Health Action*, 14(1), 1875601.
29. Newman, D. (2003). On borders and power: A theoretical framework. *Journal of Borderlands Studies*, 18(1), 13–25.
30. Omrani, Abuzar, Moradi, Javad (2022) The effect of the global epidemic of the Covid-19 virus on the behavioral-interactive pattern of the actors of the international system based on the theory of realism, applied politics, fourth year, number 1, spring and summer, pp. 166 -141.
31. Payandeh, Emaduddin, Majdzadeh, Zahra, Mirzapour, Hossein. (2019). In search of an alternative to the full quarantine policy: data-driven governance in effective dealing with covid-19. [In Persian]. *Science and Technology Policy Quarterly*, Volume 10, Number 2, summer.
32. PIIE. (2020). China should export more medical gear to battle COVID-19. https://www.piie.com/blogs/trade-and-investment-policy-watch/china-should-export-more-medicalgear-battle-covid-19?utm_source%4update-newsletter&utm_medium%4email&utm_campaign%4piie-insider.
33. Porter, Dorothy. (1999). *Health, Civilization, and the State: A History of Public Health from Ancient to Modern Times*. London: Routledge.
34. Rumi, Farshad, Kazemi, Ehsan (2019) Corona virus: a new variable in the macro analysis of political and international developments, *Strategic Policy Research Quarterly*, 9th Volume, Number 33, Summer, Series 63.
35. Schindler, Seth, et al. (2020). Covid-19, China and the future of global development, *Research in Globalization* 2 (2020) 100020. <http://dx.doi.org/10.1016/j.resglo.2020.100020>
36. Seifzadeh, Hossein (2003) *Principles of International Relations*, Tehran, Mizan Publications.
37. Seric, A., & Winkler, D. (2020). COVID-19 could spur automation and reverse globalization to some extent. *VOX EU*. April 28: <https://voxeu.org/article/covid-19-could-spur-auto-mation-and-reverse-globalisation-some-extent>.
38. Shakohi, Saeed (2019) Consequences of the security of the Covid-19 virus at the global level, *International Security Magazine*, 26.

39. Sorensen, Conner W., Smith, Edward H., Smith, Janet and Carton, Yves. (2008). Charles V. Riley, France, and phylloxera . *American Entomologist* 54 (3): 134 – 149.
40. Sturm, Tristan, et al. (2021). Interventions in critical health geopolitics: Borders, rights, and conspiracies in the COVID-19 pandemic, *Political Geography* 91 (2021) 102445.
41. Taliaferro, Jeffrey (2009), *Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy*, Edited by: Steven E. Lobell, Norrin M. Ripsman and Jeffrey W. Taliaferro, Cambridge University Press.
42. *The Economist*, March 14. (2020). "Has COVID killed Globalization?"
43. Torpey, John C. (2000). *Invention of the Passport: Surveillance, Citizenship, and the State*. Cambridge: Cambridge University Press.
44. Waltz, Kenneth (1979), *Theory of International Politics*, University of California, Berkley.
45. Watts, Sheldon. (1997). *Epidemics and History: Disease, Power and Imperialism*. New Haven: Yale University Press.

